

کلید امتحان ادبیات فارسی دوم ریاضی و تجربی

الف) معنی شعر و نثر

- ۱- نور خود را نصیب چشمان ما کن و ما را اسیر کوچک و بزرگ دنیا مکن . (ما را جز خودت به کس دیگری وامگذار)
- ۲- خوب بود دعوتتان را پس می گرفتید
- ۳- دیدی چگونه آلب ارسلان به بالاترین مقام و مرتبه رسید (گویی سر او به آسمان می رسید و این گونه سربلند و والا مقام می نمود) اکنون به شهر مرو بیا و جسم مرده ی او را در خاک ببین --- مقام و منزلت دنیا بسیار کوتاه و ناپایدار است
- ۴- هنگامی که حضرت علی (ع) با ضربه ی شمشیر خود دشمن را از پای درآورد ، شیطان بسیار افسوس خورد و ناامید شد
- ۵- ماه اول بهار (مطابق با ۲۵ اسفند تا ۲۵ فروردین) تپه ها و بلندی های سرزمین مرا با گلپای شقایق و نرگس زینت می دهد .
- ۶- عمر کم دنیا مانند داستانهای خیالی و سحر و جادو ، به سرعت می گذرد و محو می شود . پس در حق دوستانت نیکی کن و با دشمنانت سازش و ملایمت داشته باش
- ۷- تو در جنگ احد مست عشق الهی بودی به همین جهت بدنت مانند دشت پر از شقایق گلگون شد و هشتاد ضربه شمشیر را مانند هشتاد تازیانه ای که در احکام شرعی به جرم شرابخواری بر مستان می زند تحمل نمودی
- ۸- برو به جای طواف کعبه ، دلی را خردمند و شادمان کن (دلی را به دست آور) زیرا کعبه ی ظاهر ساخته دست بنده خدا است و این کعبه (کعبه دل) را خدا خودش ساخته است

ب) دانش های ادبی

- ۱- سنایی غزنوی - اخوان ثالث - هوشنگ ابتهاج
 - ۲- ضفیر سیمرغ ، روزها ، آواها و ایماها ، جام جهان بین
 - ۳- نه آهنگ دارد و نه قافیه و نه وزن عروضی ، فرق آن با نثر در تخیل شعری است
 - ۴- الف) تلمیح دارد به داستان اسکندر و آیینی ی شهر اسکندر و آیینی ی شهر اسکندریه - دارد و دارا: جناس ناقص دارا ایهام دارد به : داریوش سوم ، خداوند دارای جهان - جام می استعاره از قلب انسان پاک
 - ب) آن ژنده فیل : استعاره از عمروبن عبدود - در خاک غلتیدن : کنایه از مردن (کشته شدن) مصراع دوم اغراق دارد
- ج) لغت
- الف) سوراخی د رکوه یا بیابان که محل استراحت چهارپایان است ، آغل
- ب) درختچه ای خودرو که دارای خارهای بسیار است و در بیابان می روید
- ج) نیزه و خنجر (د) خیاط (ه) سفره (د) قایق (ز) دربان (ح) آنچه به شکل خورشید از فلز سازند و بالای قبه و مانند آن نصب کنند .

د) خود آزمایی و پیاموریم :

- ۱- الف) چقدر توانایی داشتن ، میزان توانایی
- ب) به خوبی پاسخ کسی را دادن
- ۲- مزیح ، سلیح
- ۳- چشمان ما از دیدن تو محروم است . (با چشمانی که از دیدن تو محروم است)
- ۴- به گوشه ی چشم اشاره کردن
- ۵- تغزل یا تشبیب - تخلص - تنه ی اصلی
- ۶- تشبیه
- ۷- مبحث حروف اضافه : قواعد مربوط به حروف اضافه در دستور زبان فارسی - حرف های زیادی و بی فایده سخنرانی موجی : سخنرانی رادیویی که از طریق امواج است - سخنرانی عصبی به شیوه ی موج گرفته ها

ه (درک مطلب :

- ۱- اعمال
۲- از اشک خیس شد
۳- ایران (کشور همسایه)
۴- مبارزه با ظلم و ستم
۵- آرزو برآورده نشد
۶- بلند نظر باشی
۷- پادشاهان
۸- وزن عروضی ندارد - ارزش خود را از دست داد
۹- زیاد حرف می زد (حرفهای بیهوده می زد) ، پر حرف بود
۱۰- دوران ستم شاهی
۱۱- دنیا - گناه و خطا
۱۲- موی سپید

و (حفظ شعر :

قایق از تور تهی / و دل از آرزوی مروارید / همچنان خواهم راند / نه به آبی ها دل خواهم بست / نه به دریا - پریانی
که سر از آب برون می آرند .
خاک موسیقی احساس تو را می شنود .